

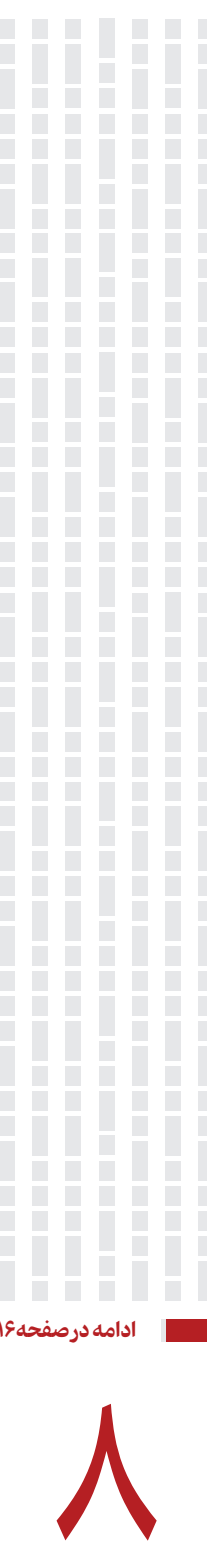
جهان‌شهر

چهارشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۲

شمارهٔ ۴۰۵۴

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY



مجتبی فردوسی پور، سفیر اسبق ایران در اردن:

مصر و اردن خواهان نابودی مقاومتند



جنگ طوفان الاقصی روح تازه‌ای به «قضیه فلسطین» دمیده است. روز گذشته (سه‌شنبه) اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس اعلام کرد یکی از دلایل اجرای عملیات ۱۷اکتبر تلاش برای جلوگیری از «به حاشیه راندن آرمان فلسطین در سطح جهان» بود؛ هدفی که محقق شده است. فلسطین بار دیگر به یک موضوع بزرگ جهانی تبدیل شده و در سایه آن، کشور کوچک اردن نیز اهمیت دوچندانی یافته است. آنچه به اهمیت اردن افزوده، اعلام این کشور به عنوان یکی از مقاصد احتمالی فلسطینی‌های رانده‌شده از سرزمین‌های اجدادی خود به این کشور است.

مجتبی فردوسی‌پور، سفیر اسبق ایران در اردن که از مرداد ۱۳۹۳ تا اسفند ۱۳۹۷ این مسئولیت را برعهده داشته است، در روزهای اخیر در نشست‌ی مجازی که به همت مجموعه‌های علمی-دانشگاهی برگزار شد، به بررسی موضوع «اردن و مساله فلسطین» پرداخته است.

فردوسی‌پور می‌گوید اردن خواهان نابودی مقاومت است اما نمی‌خواهد به مقصد اوآرگان فلسطینی تبدیل شود؛ زیرا این موضوع امنیت ملی اردن را به خطر می‌اندازد. سفیر اسبق ایران در امان، اردن را یکی از گزینه‌های تشکیل کشور فلسطینی می‌داند و معتقد است احتمال دارد در آینده شاهزاده حسین ولیعهد اردن که از جانب مادر فلسطینی است در آینده پادشاه کشوری شود که نامش پادشاهی فلسطین و یا پادشاهی متحد عربی است.
در ادامه متن مکتوب این نشست را می‌خوانید.

□□□

■ اردن و مساله فلسطین

توضیحی درباره تاریخچه شکل‌گیری، ساختار سیاسی و بلوک قدرت اردن و

راهبرد سیاست خارجی این کشور و نسبت آن با مساله فلسطین می‌دهید؟

اردن کشوری برآمده از توافق «سایس-پیکو» و «بیانه بالفور» است. اردن یکی از کشورهای است که بر اساس این قرارداد یا توافق‌نامه، مرزهای جغرافیای سیاسی‌اش تعیین شده است. حکمرانی آن بر اساس معادله تقسیم منطقه‌ای شامات بین فرانسه و بریتانیا شکل گرفته که مذاکره‌کنندگان آن «سر مارک سایسک» بریتانیایی و «فرانسوا ژرژ پیکو» فرانسوی بودند. این دو کشور، اغلب کشورهای منطقه را با مرزهای خودساخته شکل دادند و بر آن استیلا پیدا کردند. حکمرانی اردن در پادشاهی حجاز و خاندان «شریف حسین» در سرزمین‌های شبه جزیره عربستان، ریشه دارد. انگلیسی‌ها عبدالله بن حسین را به اردن آوردند و فیصل بن حسین برادر او را به عراق بردند تا پادشاه این دو کشور شوند. عراق و اردن جزء کشورهای مستعمره بریتانیای کبیر شناخته می‌شدند و بر این اساس ساخت سیاسی در اردن بر حسب خاندان شریف حسین شکل گرفت.

آنچه برای اردن اهمیت داشت جنگ‌های کلاسیکی بود که بعد از انعقاد نطقه رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی به دنبال بیانه بالفور شکل گرفت. اردن به تدریج در منازعه اعراب-اسرائیل وارد شد و یکی از جنگ‌های اساسی که در حوزه جنگ‌های کلاسیک ارتش‌های عربی شکل گرفت و اردن در آن نقش داشت، جنگ ۱۹۶۷ بود. از ۱۹۴۶ با شروع تلاش برای تأسیس رژیم صهیونیستی و جنگ‌های ۴۷، ۴۸ و ۵۶، رفته رفته فشار توسعه‌اشغالگری رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی سبب شد فلسطینی‌ها از طریق کوچ اجباری به سرزمین اردن کوچ داده شوند.

در برهه‌ای پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس رژیم صهیونیستی، بخشی از فلسطین به لحاظ ساختار و حکمرانی تحت پوشش اردن قرار گرفت که شامل کرانه باختری می‌شد. با شکست ارتش‌های کلاسیک عرب در جنگ ۱۹۶۷، تانک‌ها و خودروهای عراق و اردن که در کرانه باختری مستقر بودند در مسیر عقب‌نشینی قریب به اتفاق مهاجران فلسطینی را سوار بر تانک به مناطق پیرامونی سرزمین‌های اشغالی از جمله خود اردن بردند. بر اثر اجبار و نתיح حاصل از جنگ، بخش‌های مهمی از کشورهای شاخص جهان عرب تحت سیطره و تسلط رژیم صهیونیستی قرار گرفتند و به تعبیری اسرائیل عمق استراتژیک برای خود تعریف کرد. رژیم صهیونیستی در مصر، شبه جزیره سینا را به اشغال درآورد، در اردن کرانه باختری را تصرف کرد، متعرض پادشاهی اردن شد، در سوریه جولان را تحت تسلط گرفت و در لبنان، جنوب این کشور را تصرف کرد. صهیونیست‌ها تا دهه ۸۰ حلقه اشغالگری خود در لبنان را به مرکز و بیروت به عنوان پایتخت تسری دادند. سازمان آزادی‌بخش فلسطین موسوم به ساف به رهبری یاسر عرفات وارد اردن شد و به تدریج حضور فلسطینی‌ها گسترده‌تر و به لحاظ سازمان‌دهمگرافی جمعیتی، پیشتر از مردم اردن شد. این امر به منازعه و درگیری داخلی میان فلسطینی‌ها و اردنی‌ها منجر گشت که به دنبال آن ساخت سیاسی و امنیتی اردن وارد درگیری با فلسطینی‌ها شد. در سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۱ شاهد سپتامبر سیاه بودیم که اردنی‌ها کشتار زیادی از مردم فلسطین کردند. بر اثر این حادثه و سختگیری ملک حسین، عرفات از اردن کوچ کرد. این نقطه عطف و کانونی به حساب می‌آمد، اولاد در تعارض بین ساخت اردن و ساخت فلسطین به لحاظ سیاسی و ثانیا فلسطینی‌هایی که از فلسطین اشغالی، از سرزمین‌آبا و اجدادی خود کوچانده شدند در کشورهای عربی از جمله اردن، سوریه، عراق و لبنان پراکنده شدند. نقاط تجمع آنها تبدیل به اردوگاه پناهندگان فلسطینی شد. اسرائیل بر این کشورها اعمال فشار می‌کرد که نه تنها فلسطنی‌ها را در کشور خود جای دهند بلکه بر آنها سخت بگیرند تا از حوزه پیرامونی سرزمین‌های اشغالی نیز کوچ کنند. ساخت سیاسی که بر اساس معاهده سایس-پیکو و بر اثر ترسیم جغرافیای مجهول سیاسی در این منطقه شاهد بودیم به منازعات عده‌ایه‌ای بین کشورها منجر شد؛ از جمله بین کشور پادشاهی اردن با رژیم صهیونیستی. اردن دنبال این بود که مناطق اشغال‌شده ۱۹۶۷ را از چنگ رژیم صهیونیستی آزاد کند.

آخرین جنگ کلاسیک ارتش‌های عربی در ۱۹۷۳ به عنوان پنجمین جنگ خاتمه یافت و ارتش‌های عربی دیگر وارد منازعه با رژیم صهیونیستی نشدند. بعد از مرگ جمال عبدالناصر در مصر کشورهای عربی به سمتی رفتند که منازعات خود را کاهش دهند و از طریق فرآیند سازش و مذاکرات، معادلات خود را با رژیم صهیونیستی حل و فصل کنند. از این رو مصر یکی از کشورهای پیشگام در فرآیند سازش با رژیم صهیونیستی است.

گرچه در جنگ ۱۹۷۳ ارتش‌های عربی در نهایت پیروز نشدند اما شرایط برای اسرائیل قدری سخت شد و به همین دلیل فشار را بر فلسطینیان در کشورهای پیرامون سرزمین اشغالی گسترده‌تر کرد. بعد از فوت ناصر، انور سادات معاون او عهده‌دار ریاست جمهوری شد. با مذاکرات پنهانی که بین مصر و رژیم صهیونیستی کلید خورد، مصری‌ها به دنبال آزادسازی شبه جزیره سینا برآمدند و نهایتاً در سال ۱۹۷۹ با اسرائیل معاهده کمپ دیوید را امضا کردند. این معاهده یک نقطه کانونی بود. کشورهای عربی در اتحادیه

عرب به این اتفاق واکنش منفی نشان دادند و مصر برای چندین سال از اتحادیه عرب اخراج شد اما رفته رفته فرآیند سازش در منطقه گسترش یافت. با فروپاشی شوروی اعراب احساس یثیمی کردند. عرب‌ها می‌دیدند که دیگر اتحاد جماهیر شوروی برای دفاع از آنها در مقابل رژیم صهیونیستی وجود ندارد و به همین دلیل وارد فرآیند مذاکره و سازش شدند. اولین کار را یاسر عرفات در ۱۹۹۱ بعد از فروپاشی شوروی انجام داد و به صورت محرمانه مذاکره کرد. البته او معتقد بود با یک دست سلاح و با یک دست قلم، مذاکره را اداره می‌کند. هر جا در فرآیند مذاکره کم آورد از طریق اعمال فشار، سلاح و مقاومت می‌تواند شروط و خواست ملت خود را در تعیین حق سرنوشت استیفا کند. اما کار به جایی رسید که عرفات مجبور شد سال ۱۹۹۳ مذاکرات را علنی کند. در سال ۱۹۹۳ توافق اسلو بین فلسطین یعنی یاسر عرفات، رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین و رژیم صهیونیستی به امضا رسید. اسرائیلی‌ها اعلام کردند طرف پنج سال اگر راستی آزمایشی کردند و اعتماد امنیتی فلسطین توسط رژیم صهیونیستی جلب شد به آنها دولت مستقل فلسطین را در کرانه باختری و باریکه غزه اعطا کنند. در سال ۱۹۹۵ میلادی اسرائیل اعلام کرد چنین التزام و اعتمادی را به ساف و رئیس‌آن ندارد. بنابراین چیزی را که در وضعیت حقوق بین‌المللی می‌بایست در قالب یک کشور مستقل فلسطینی اعطا می‌کرد، انجام نداد. رژیم صهیونیستی تعهد خود را انجام نداد و بر اساس فرآیند اسلون چیزی که به فلسطینی‌ها تعلق گرفت چیزی جز حکومت خودگردان نبود. به لحاظ حقوق بین‌المللی و فرآیندهای نهادی بین‌المللی، فلسطینی‌ها از حق داشتن دولت مستقل عضو سازمان ملل بازماندند. به موازات اسلو اردن هم به تبعیت از قاهره تلاش کرد وضعیت خود را سازماندهی کند و از طریق مذاکرات سازش بتواند بر بخشی از خاک کشور خود که تحت سلطه و تصرف رژیم صهیونیستی قرار گرفته بود، دست یابد. در سال ۱۹۹۴ توافق بین اردن و رژیم صهیونیستی شکل گرفت که به «وادی عرب» مشهور شد. بر اساس وادی عربه آنچه بین کشور پادشاهی اردن و اسرائیل برای ترسیم مرز به رسمیت شناخته شد خط القعر ناشی از نهر مشترک بین اردن و سرزمین‌های اشغالی بود. اگر شما به نهر اردن رجوع کنید، در این نهر آب باریکی که شاید به عرض و پهنای بیشتر از یک متر نباشد، جریان دارد و خیلی نهر ضعیفی است. در بالادست یعنی در جولان رژیم صهیونیستی آب را در اختیار خود گرفته و با ایجاد سد بر آن اشرف دارد و منابع بهره‌برداری مزاح اردن و سوریه را آب‌های رود اردن می‌شود. این وضعیت بر اساس فرآیند قانونی تعدادی بین‌المللی و سازمان ملل این دو منطقه –منطقه باغ غوره و منطقه قمر– به اردن مسترد شد. بر

اساس فرآیند وادی عربه که خط‌القعر نهر اردن حوزه خط میانی مرز بین دو کشور شد، اسرائیلی‌ها تعهد دادند تمام قلنه‌های انفجاری و تجهیزات استراق سمع کارگذاشته‌شده در خاک اردن را به طرف اردنی معرفی کنند که این کار را نکردند. نقشه کامل را ندادند و رفته رفته وقتی اردن دست به اقدامات زیرساختی در کشور اردن می‌زد هر از گاهی تله‌های انفجاری و تجهیزات استراق سمع اسرائیلی‌ها کشف می‌شد. از زمان وادی عربه اردن متعهد شد که دارای ارتش نباشد. چیزی که درحال حاضر در اردن تحت عنوان آرایش نظامی می‌بینیم در پوشش و قالب امنیتی است و بیشتر حافظ منافع و مصالح رژیم صهیونیستی در طرف مقابل است تا اینکه منافع ملت اردن را در بگیرد. همچنین دورتا دور اردن منابع زیرزمینی و میادین نفت است ولی با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی اجازه استخراج از این منابع را به اردنی‌ها نمی‌دهد وضعیت اردن به لحاظ اقتصادی وضعیت اسفباری است و اگر استقراض خارجی نباشد اردن وضعیت خوبی ندارد. در زمان قدرت حزب بعث در عراق با اعطای نفت با قیمت ترجیحی ی رایگان، اردن امورات اقتصادی خود را بسط می‌کرد. در شرایط جنگ تحمیلی هشت‌ساله صدام با ایران، اردن به لحاظ همین تحفه‌ای که از او می‌گرفت در تمام جنگ پشت سر حزب بعث ایستاد. بعد از سقوط حزب بعث و تحولی که در عراق ایجاد شد اردنی‌ها ملجا و پناه خود را آمریکا دیدند. آمریکایی‌ها به حوزه خلیج فارس و شش کشور حوزه خلیج فارس گفتمند در یک معاهده پنج ساله ۵ میلیارد دلار به اردن کمک کنند تا اردن بتواند وضعیت اسفناک

اقتصادی خود را مدیریت کند. کشورهای منطقه به این تعهد خود پایبند نبودند. رفته‌رفته یا در اعطای قروض خود خلل ایجاد کردند و یا از آن کاستند و بعد از مدتی معلوم شد کشورهای حوزه خلیج فارس جسته و گریخته پرداخت‌هایی را به اردن داشتند ولی این تعهدات را عملیاتی نکردند. بعد از آن آمریکا کمک‌های خود را به صورت بلاعوض از ربع میلیارد دلار شروع کرد و الان در حدود ۱،۴ تا ۱،۴ میلیارد دلار در پوشش کمک‌های بلاعوض به اقتصاد اردن کمک می‌کند که همه به صورت پرداخت مستقیم نیست و بخشی به صورت خریدهای نظامی است که ادوات و ماشین‌آلات نظامی مستعمل آمریکایی وارد اردن می‌شود. البته ۴۱۶هایی که دادند، قابلیت پرتاب موشکش را برداشتنند یا هلی‌کوپتر کبرا که دادند، موشک‌اندازها و تیربارهایش را برداشتنند. زره‌پوش‌هایی که به اردن می‌دهند ضد شورش و برای حوزه امنیت داخلی است. اردن از توانمندی و ارتش قوی برخوردار نیست. این وضعیت در شبه جزیره سینا متعلق به مصر هم به دلیل مفاد قرار داد کمپ‌دیوید دیده می‌شود که مصر حق حضور نظامی قابل توجه در این منطقه را ندارد. رژیم صهیونیستی در فدای جنگ‌های کلاسیک با ارتش‌های عربی، یعنی بعد از پنج جنگ و بعد از سال ۱۹۷۳، هر جایی که توافقی رارقم زده این پیش شرط را گذاشته است که کشور مقابل در همجواری سرزمین‌های اشغالی دارای ارتش توانمند، کارآمد و ماشین جنگی نباید باشد. اگر هم تجهیزاتی دارد آن تجهیزات نباید باعث برهم خوردن ثقل موازنه تهدید یا موازنه قوا بین رژیم صهیونیستی و کشورهای مقابل شود. با شکل‌گیری وادی عربه بعد از کمپ دیوید در دهه ۹۰ میلادی، اردنی‌ها عطف توجه خود و سیاست خارجی خود را بر حوزه بالاترسی منطقه قرار دادند یعنی خود را به عنوان کشوری که میانجی‌گر بین ۲۲ کشور اتحادیه عرب است، تعریف کردند. اردن و مصر تبدیل به دو کشوری شدند که با رژیم صهیونیستی هم‌پیمان هستند، توافق‌نامه دارند و بر اساس این معاهده تبادل هیات‌های دیپلماتیک انجام می‌دهد و سفارتخانه دارند. هیچ کشور عربی بر اساس شروطی که اتحادیه عرب وضع کرده بود حق ارتباط با رژیم صهیونیستی را نداشت، حق مذاکره نداشت و اتحادیه عرب از این ثقل موازنه به عنوان میانجی طرف‌های عربی با رژیم صهیونیستی بهره‌براری کرد. از این رو رژیم حاکم بر اردن خود را به عنوان موازنه‌گر و موازنه‌ساز منطقه‌ای تعریف کرد و علاوه بر ایفای نقش میانجی‌گر بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی، در نقش پیش‌رزنده سازش با رژیم صهیونیستی نیز گام برداشت. اردن بر این اساس خود را از لاک و قالب محافظه‌کارانه درآورد و با سیاست‌های واقع‌گرای به سمت کشورهای توسعه یافته رفت. با این وضعیت اردن به عنوان حیاط خلوت رژیم صهیونیستی شناخته شد و ضامن تأمین امنیت آن شد. ضمن اینکه از منافع اقتصادی تعاملات مشترک با رژیم صهیونیستی توانست استفاده کند. در قالب یک معاهده تجاری و اقتصادی که حاکم بر مناسبات مثلث سه ضلعی اردن، رژیم صهیونیستی و آمریکا است، تولیدات مشترک بین این سه، بدون تعرفه در بازارهای سه طرف تبادل می‌شود. این موضوع مناسبات تجاری اردن را تقویت کرد و مخصوصاً در عرصه کالاهای مصرفی، کالاهای مواد غذایی و فرآوری صنعت غذایی و صنعت دارویی و از همه مهم‌تر صنعت پوشاک، مزایای تجاری به اردن کمک کرد بخشی از اقتصاد نامتعادل خود را سازماندهی کند. با این وجود نمی‌توانست از منابع زیربستر دریایی یا زیربستر خشکی برای تولید انرژی بهره‌برداری کند زیرا صهیونیست‌ها به اردن اجازه نمی‌دادند. بنابراین اردن نقش میانجی‌گر را پیدا کرد و به تدریج با گذر زمان و سقوط حزب بعث در عراق و شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بعد از کمپ دیوید، شرایط برای اردن دشوار شد. اردن در زمان پهلوی یکی از متحدان استراتژیک ایران بود و ملک حسین یکی از بهترین مناسبات را با پهلوی داشت، با وجود اینکه پهلوی‌ها مناسبات خوبی با رژیم صهیونیستی داشتند. بعد از غائله جنگ‌های عربی، ملک حسین ارتباطات وثیقی را با پهلوی برقرار کرد و جالب است بدانید الان اردن تحت پوشش موساد نیست، بلکه تحت پوشش شین‌بت است. اسرائیل به گونه‌ای بر اردن نظاره‌گر و مراقب است که اردن را جزء سرزمین‌های لانپنک خود می‌داند. یکی از استدلال‌ها و دلایل اساسی برای اثبات این مدعا این است که اردن را تحت پوشش موساد، یعنی اطلاعات و سرویس خارجی قرار نداده بلکه او را تحت پوشش اطلاعات و سرویس داخلی شین‌بت قرار داده است. این نکته حائز اهمیت است. با مرگ ملک حسین پسر ارشد او از همسر بریتانیایی –یهودی‌اش «آنتوانیت گاردنر»، به جانشینی او انتخاب شد. نام شاه جدید «ملک عبدالله دوم» است. آمریکایی‌ها اجازه ندادند ولایت‌عهدی برادر او به حوزه پادشاهی تسری یابد چون امیر حسن مخالف سیاست‌های آمریکا در سطح منطقه بود. آمریکایی‌ها پیش‌دستی کردند و قبل از اینکه ملک حسین وفات یابد

او را از آمریکا و بیمارستان‌های آمریکایی اخراج کردند. ملک حسین به اردن بازگشت و قبل از فوت خود، امیر حسن را از ولایت‌عهدی عزل کرده و پسر دیگرش عبدالله را به ولایت‌عهدی منصوب کرد. ملک حسین به همسر دوم خود یعنی ملکه نور تعهد داد امیرحمزه در زمان پادشاهی ملک عبدالله، به ولایت‌عهدی برسد. در حال حاضر حسین فرزند ملک عبدالله به جانشینی منصوب شده و امیر حمزه را از اریکه قدرت و ولایت‌عهدی خارج کرده‌اند. اردن در حقیقت سیاست خارجی موازن را پی گرفت اما پس از شکل‌گیری مقاومت و تغییرات منطقه‌ای مخصوصاً بعد از معامله قرن که مناسبات پنهان و زیرزمینی اعراب با رژیم صهیونیستی را آشکار کرد، اوضاع متفاوت شد. اردن و مصر جایگاه خود را در منطقه از دست دادند. در حال حاضر یکی از اختلافات شدید اردن با رژیم صهیونیستی ناشی از این فرآیند است که اسرائیلی‌ها برای اردن اعتبار ویژه‌ای قائل نیستند و مسائل خود را از مسیر مذاکرات مستقیم و تبادل دیپلماتیک با حوزه عربی حل وفضل می‌کنند. این مساله برای اردن تبدیل به یک چالش اساسی در حوزه منافع و امنیت ملی شده است.

اردن در زمان ملک حسین سعی می‌کرد با جریانات اسلامی تعامل کرده و از طریق تعادل جریانات اسلامی در فرآیند حکمرانی، اخوان‌المسلمین متعادل‌تری را نسبت به اخوان مادر، یعنی مصر در حکمرانی دخیل کند. این اقدام باعث می‌شد هر موقع با اسرائیل دچار تنش و چالش شد از برگ جریان‌های اسلامی مخصوصاً اخوان‌المسلمین بهره‌برداری کند. الان هم ملک عبدالله از این ظرفیت و از این حربه در مقابل رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند ولی آن چیزی که حائز اهمیت است شرایط دوره عبدالله با زمان پدر بزرگش ملک حسین به مراتب فرق کرده و عبدالله بیشتر به آمریکا وابسته است. با توجه به اینکه از مادری انگلیسی متولد شده به لحاظ علقه‌های نسبی که با بریتانیای کبیر دارد، شخصیتی است که تابع سیاست‌های غرب در وضعیت منطقه‌ای است. طبیعتاً او نمی‌تواند از وضعیت امنیت اسرائیل تخطی کند و با توجه به سیطره و نفوذی که سیستم‌های اطلاعاتی اسرائیل در سطح کشور پادشاهی اردن دارند، این کشور به برگ خنثی عربی بدله شد و آن ظرفیت‌های گذشته و فرصت‌هایی که در عرصه فرآیند سازش برای او به‌وجود آمده بود را از دست داده است. پادشاه اردن با وجود اختلافاتی که با رژیم صهیونیستی دارد اما همچنان بر این موضوع آگاه است که صیانت و حفظ تاج و تخت بر اساس نوع مناسبات و تضمین امنیت رژیم صهیونیستی حاصل می‌شود و نباید از این خط قرمز عدول کند. بنابراین اردن به مساله کرانه باختری به عنوان یک شاخصه نگاه می‌کند و از قدیم‌الایام مسجدالاقصی، مقدسات اسلامی و حتی مسیحی فلسطین تحت پوشش اردن قرار داشته‌اند. همچنان اردن این وضعیت را در فرآیند وادی عربی محفوظ نگه داشته است. اردنی‌ها بعد از اینکه مسجدالاقصی توسط شهوک نشینان سوخت و صهیونیست‌ها منبر ابراهیمی را در مسجدالاقصی سوزاندند، از طریق وزارت اوقاف وارد شدند و منبر را به اردن آوردند و اردن طریق صنعتگران و منتب‌کاران جهان اسلام این منبر را بازسازی کردند و مجدداً به مسجدالاقصی بردند. صیانت و حفاظت از مسجدالاقصی همچنان جز نظر وزارت اوقاف و نیروهای امنیتی اردن است اما با روی کارآمدن نتانیاهو، رژیم صهیونیستی مانع از اقدامات نیروهای اوقافی اردن شد و رفته‌رفته ثقل اردن هم در مساله تولید مسجدالاقصی کاسته شد و حتی بر سر آن رقابتی با سعودی‌ها شکل گرفت. اختلافاتی بر اساس فرآیند شکل‌گیری اردن از پادشاهان منطقه حجاز در خاک عربستان سعودی، وجود دارد که ریشه‌دار و تاریخی است. مساله تولید مسجدالاقصی هم یکی از اختلافات عربستان، اسرائیل و اردن است. بنابراین بخش اعظم جمعیت اردن بر اساس دومگرافی در اثر جنگ‌های کلاسیک گذشته، فلسطینی هستند و گفته می‌شود دوسوم جمعیت اردن را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند. با این وجود اردن همچنان در تهدید شکل‌گیری کشور آینده فلسطینی است و این احتمال وجود دارد که امیرحسین فرزند ملک عبدالله که از مادری فلسطینی و اهل نابلس و از خاندان آل‌یاسین است، بعد از عبدالله اگر بر تخت بنشیند به عنوان پادشاه فلسطینی شناخته شود. صهیونیست‌ها همواره نیم‌نگاهی به اردن از دریچه مشکلات پناهندگی و پرونده‌های لانپنکل فلسطینی داشته‌اند. اردنی‌ها به محدود عباس رئیس تشکیلات خودگردان بعد از عرفات جایگاه ویژه‌ای در اردن دادند و برای او ماروا و مسکنی تدارک دیدند. ایومانز در سال ۶ ماه را در اردن سکنی دارد و از طریق پایگاهی که در اردن دارد ارتباطات بین‌المللی خود را تعمیم و توسعه بخشیده و همین‌طور رئیس مجلس ملی فلسطین هم در اردن ساکن بود.